

محیط اجتماعی و هوش

انسان مولود وراثت اجدادی خود و محیط اجتماعی است فقط باید دانست هر یک از این دو عامل تا چه اندازه در تکوین شخصیت هر یک از افراد مؤثر واقع میشود . بسیاری از خواص بدنی و روحی بیرو محیط اجتماعی میباشد منجمله وضعیت صحی بدن و بعضی از حرکات آن ، طرز مکالمه و طریقه سلوک اجتماعی و غیره — خواص دیگری مانند قامت و مختصات بشره و عادات ذاتی را میتوان باصل وراثت تطبیق نمود — حال میخواهیم بدانیم محیط اجتماعی تا چه حد میتواند در خصائص ذاتی تأثیر داشته باشد و تغییراتی که در این زمینه پدید می آید تا چه اندازه ممکن است بوسیله وراثت انتقال یابد — برای بدست آوردن میزان اولی ناچاریم به تحقیقات و تحقیقات عمیق و آمار مربوط متوسل شویم در صورتیکه برای تعیین میزان دومی باوجود آزمایشهای علمی که تاکنون بعمل آمده هنوز نتوانسته اند نتیجه قطعی بدست آورند .

بنا بنظریه Weismann و بسیاری از علمای علم العجیات در بدن انسان یا هر یک از سایر موجودات زنده ماده بنام plasma somatique و ماده دیگری موسوم plasma germinatif وجود دارد .

plasma somatique عبارت از ماده ایست که در بدن انسان محکوم به تغییرات دائمی و بالآخره فناپذیر بوده و در نسل های بعدی قابل انتقال نیست در صورتیکه plasma germinatif ماده ایست فنا ناپذیر که از اولیای اطفال باولاد آنها نیز انتقال می یابد مثلا میتوان دست و پای یک موجود زنده را بکلی قطع نمود بدون آنکه به plasma germinatif آسیبی وارد آید معذک الکل و بعضی از امراض تأثیراتی در این ماده می بخشند که قابل انتقال در بدن اولاد بوده و آثار وخیم خود را در بدن آنها ظاهر میسازد .

در علوم جدید روان شناسی یا تعلیم و تربیت اجتماعی یک موضوع قابل توجه در باره هوش مورد بحث است که آیا این خاصیت مهم بشری تابع محیط اجتماعی بوده و آیا تأثیراتی که محیط بر هوش می بخشد بوسیله وراثت قابل انتقال است یا خیر ؟ کلبه اقداماتی که در زمینه تعلیم و تربیت و تحصیل بعمل می آید منوط و مربوط باین موضوع بوده و بر واقم آتیه بشر بستگی کاملی باحل آن دارد — برای آنکه بتوانند بحل این مسئله نزدیک شوند نسبت و رابطه که بین هوش اطفال از یکطرف و از طرف دیگر شغل والدین ، وضعیت مالی آنها ، درجه معلومات ، عقاید مذهبی و فلسفی ، رفتار و موقعیت آنها در مقابل تعلیم و تربیت آموزشگاه و عده اعضاء خانواده و شماره اطفال و بالآخره روابط اجتماعی خانواده و دوستان و آشنایان آنها وجود دارد مورد بررسی دقیق قرار داد اند قبل از هر چیز در این

باب تحقیقاتی نموده اند که آیا وقتی هوش یک نفر بیش از حد متوسط توسعه می یابد این موضوع هیچ تناسی با محیط اجتماعی دارد یا خیر؟ F. Giese با مراجعه به کتاب Degener که شبیه به کتاب Who 'is who (کتابی است که نام و نشان بزرگان عالم در آن ثبت شده است) می باشد وضعیت ده هزار نفر از اشخاص برجسته آلمان را بررسی نموده بدین طریق که والدین آنها را به سه دسته اجتماعی تقسیم نموده است، اشراف، معادل دانشگاهی، صنعتگران و بازرگانان عمده را جزو دسته اول، اواسط الناس و مستخدمین را در ردیف دوم، کارگران را در دسته سوم شمرده و میزان ذیل را بدست آورده است:

دسته اول	۷۲۰/۰
دسته دوم	۴۹۳۰/۰
دسته سوم	۱۰۴۳۰۰

بحساب فوق بین دسته اول کمتر اشخاص برجسته پیدا شده و بطوریکه مشاهده میشود دسته دوم که عبارت از اواسط الناس است بیش از همه مستعد بروز هوش عالیتری میباشد در آن طرف اشل هم وضعیت بهمین منوال است - تحقیقاتی که در باب جنایتکاری جوانان که البته در نتیجه کم هوشی یا نداشتن هوش طبیعی است بعمل آمده معلوم داشته که اینگونه علیات تابع محیط میباشد.

Aimée Racine ۲۲۳ مورد جنایت اطفال را که محل ارتکاب آن در حوزه شهر بروکسل بوده مورد بررسی قرار داده و نتیجه ذیل را بدست آورده است:

پیشه پدر	جمعیت ذکور حوزه بروکسل	عده جنایتکاران
	بر حسب صدی چند	بر حسب صدی چند
کارگرها	۴۳۲	۱۱۸
مستخدمین	۱۳۳	۶۷
تجار	۶۹	۰۴
پیشه های آزاد	۴۶	۰۹
اعضای ادارات	۹	۲۷
کشاورزان	۸۸	۲۷

یکی دیگر از موضوع هائی را که تحت مطالعه قرار داده اند عبارت از تأثیری است که محیط هر توسعه طرز تکلم دارد که بطور عموم با توسعه هوش تناسب دارد Melle Descnoedres هر کتاب خود موسوم به "پرورش طفل از سن ۲ الی ۷ سالگی" که در ۱۹۲۱ انتشار داده تعیین کرده است که اطفال طبقات عالی تر اقلاً تا موقعیکه هنوز با آموزشگاه وارد نشده اند از لحاظ ادای لغات متناسب و طرز مکالمه بر اطفال طبقات پست تر رجحان دارند.

H. Hetzer و B. Reindorf مطالعاتی در هوش ۲۸ نفر طفل سالم بسن ۹ ماه الی دو سال و نیم از طبقات دوگانه اغنیاء و نیازمندان شهر وین بعمل آورده و معلوم داشته اند که

از حیث ای-ای اولین اصواتی که برای ابراز احتیاجات ضروری اعضاء میباشد تفاوتی مابین اطفال طبقات فوق الذکر وجود ندارد اما بعض اینک طفل از سن ۹ تا ۱۸ ماهه شروع بنام بردن اشیاء مینماید ملاحظه میشود که اطفال طبقات اغنیاء از این لحاظ نسبت به هم سن های دیگر خود باندازه سه ماه سبقت میجویند؛ در سن ۱۸ ماهه مجدداً بین اطفال هر دو دسته تساوی برقرار شده ولی پس از آن اطفال طبقات اغنیاء دوباره پیشرفته بطوریکه در سن دو سالگی قادر باداها همه گونه کلمات مورد احتیاج خود میشوند در صورتیکه اطفال طبقات پست تر ۶ ماه دیرتر موفق میگرددند. ولی این تفاوت را باید مربوط بتوجه خاصی دانست که خانواده های اغنیاء نسبت باطفال خود دارند و بدیهی است نباید جلو افتادن آنها را بتفاوت ذهنی نسبی تعبیر نمایند.

برای آنکه باصل و اساس پرورش هوش بی بریم نتایج تحصیلی اطفال را با محیطی که از آن خارج شده اند مقایسه مینمائیم زیرا بسیاری از تحقیقات آزمایشی برای حل این موضوع از این راه بعمل میآید.

A. Busemann در کتابی که بسال ۱۹۳۰ در برلن انتشار داده است عده

اطفالی را که در یک کلاس باقی مانده و بکلاس بالاتر ارتقاء نیافته اند با در نظر گرفتن پیشه و حرفه اولیای آنها به سه دسته تقسیم نموده و نتیجه ذیل را بدست آورده است:

الف - تجار مستقل و اعضاء متوسطه ادارات ۲۴٪

ب - مستخدمین جزء و دون رتبه ادارات و کارگرانی که

دارای پیشه ثابت هستند ۲۲٪

ج - کارگران بدون پیشه ثابت ۵۰٪

Sell و Marbe معدل نمرات تحصیلی اطفال ۶ الی ۹ ساله دبستانهای شهر مونیخ

(آلمان) را با در نظر گرفتن پیشه اولیای آنها تعیین و بوسیله جدولی معلوم داشته اند که اطفال آموزگاران نسبت بهمکنان خود که از خانواده های دیران، اعضاء ادارات، مهندسين، اغنیاء و اطباء بوده گوی سبقت را در درس ربوده اند.

مؤلفین مزبور این نکته را نیز گوشزد مینمایند که نتایج فوق الذکر در اثر توجه کتر یا بیشتری است که طبقات مختلفه در مقابل تحصیلات اطفال خود دارند و این اصلی است مسلم که اطفال آموزگاران در منزل هم محیط مساعد و وسیمی برای تحصیلات ابتدائی خود دارند. اما در مرحله تحصیلات متوسطه وضعیت تا اندازه تغییر می یابد.

H. Kohler از نویسندگان آلمان معدل نمرات تحصیلی عده از دانش آموزان

دوره ۹ ساله متوسطه آن کشور را حساب کرده و این جدول را بدست آورده است:

معدل	پیشه پدر	عده دانش آموزان
۲٫۳۸	ثروتمند	۱۹
	عضو ادارات دارای	۱۷
۲٫۴۴	تحصیلات عالی	

۲۴۶	دیر	۲۸
۲۵۶	مهندس دیلمه	۱۸
۲۵۹	آموزگار	۱۹
۲۶۲	پزشک	۱۸

بعقیده مؤلف تفاوتی که در نتایج حاصل مشهود است نیز در اثر وضعیت مثبت یا منفی است که اولیای هر یک از طبقات نسبت بامور تحصیلی نشان میدهند.

A Muller در کتابی که بزبان آلمانی در سال ۱۹۳۲ چاپ کرده است برای ۲۵ نفر از دوشیزگان کلاس چهارم یکی از دبستانهای مونیخ تناسبات ذیل را بدست آورده است:

نتایج تحصیلی و عرائد + ۰.۶۰

نتایج تحصیلی و درجه اجتماعی + ۰.۷۰

درجه اجتماعی و عوائد + ۰.۸۲

برای ۲۵ نفر دیگر از دوشیزگان که وضعیت مزاجی آنها یکسان و در یک آموزشگاه تحصیل کرده و از حیث تشکلات خانوادگی نیز با یکدیگر تفاوتی نداشته اند فقط با در نظر گرفتن عایدی و درجه اجتماعی تناسبات ذیل را که بمراتب از تناسبات قبلی قوی تر است بدست آورده است:

نتایج تحصیلی و عوائد + ۰.۸۲

نتایج تحصیلی و درجه اجتماعی + ۰.۹۷

معدلك باید اذعان داشت که با تشبث باینگونه تحقیقات محال است بتوانند بکنه مطلب حقیقی برند زیرا قسمت عمده نتایج تحصیلی منوط بسمی شخصی و صفات جلی اطفال است که سمتها در یک محیط مساعد بسهولت پرورش می یابند.

در اینصورت جای تردید باقی میماند که آیا محیط مناسب لازمه پرورش هوش است یا بالعکس در آن تأثیر و دخالتی ندارد؟ بهمین دلیل تحقیقاتی که نسبتاً بیشتر بعامل اصلی نزدیک بوده و بخصوص تست هائی که بعنوان هوش آزمائی داده میشود بمراتب جالب توجه تر شده میشوند.

L. Habricht ۵۰ نفر از دانش آموزان دبیرستانها و دبستانهای مونیخ را بوسیله

تست Benary که بمنظور انتخاب عده هوا پیمای تهیه شده بود مورد آزمایش قرار داده است دانش آموزان بنا بود نقطه های تلاقی راهها و خصوصیات دیگری را از روی نقشه تشخیص دهند و هرکس که زودتر موفق به تعیین آن میشد از لعاظ هوش بر سایرین رجحان داشت. Habricht دانش آموزان را از لعاظ بیشه اولیای آنها به چهار دسته

جرتاب نمود:

I - صنعتگران - و اعضاء دانشگاهها.

II - مستخدمین متوسط و بازرگانان .

III - کارگران دارای یشه ثابت و کسبه .

IV - کارگران بدون یشه ثابت .

طول مدتی که بطور متوسط برای جواب دادن صرف شد برای اطفال چهار دسته مذکور بحسب ثانیه بدینقرار بود :

IV	III	II	I	
۶۶	۵۵	۴۳	۳۲	پسران ۱۳ ساله
۴۸	۴۵	۳۷	۲۹	دختران ۱۳ ساله
۵۴	۴۴	۳۶	۲۴	پسران ۱۴ ساله
۴۶	۴۴	۳۱	۲۸	دختران »

عده اشتباهات هم بطریق فوق از دسته اول تا دسته چهارم بتدریج بالا میرفت . چون این رویه آزمایش غیر شفاهی بوده می توانیم آنرا در تشخیص کم و بیش بودن هوش دانش آموزان اصلی مسلم بدانیم .
بقیه دارد . ترجمه : صادق طویبا

اخبار معارفی دیگران

انجمن اتحادیه دبیران

حل اشکالاتی که در موضوع تعلیم و تربیت یدیدار میگردد بیشتر بوسیله نشر یک مساعی بین دبیران و آموزگاران و تبادل فکر و نظر امکان پذیر می باشد :

اتحادیه دبیران انگلستان اخیراً برای حل این گونه اشکالات و ایجاد وحدت بین آموزگاران و بقصد یدید آوردن روح اشتراک مساعی بین کلیه دبیران انجمنی در نائینگهام انگلستان تشکیل داده و عده کثیری از نمایندگان اتحادیه های مختلف آموزگاران در این انجمن حضور یافته اند .

در انجمن مزبور علاوه بر مسائل مختلفی که در زمینه تعلیم و تربیت دبیرستانها مطرح گردید تصمیمی بقصد همکاری و اشتراک مساعی با انجمن ملی اتحادیه کل آموزگاران انگلستان اتخاذ گردید و طریقی این تصمیم علاوه بر انجمن های فعلی کنکره ای بنام کنکره ملی انگلستان تشکیل خواهد شد که نمایندگان تمام آموزگاران در هر سال در کنکره مزبور حضور خواهند یافت .

این کنکره تمام هم خود را از طرفی مصروف حل مشکلات تربیتی خواهد نمود و سعی خواهد کرد تمام اشکالاتی را که دبیران و آموزگاران و استادان در تعلیم و تربیت با آن مواجه می گردند حل کند و از جانب دیگر اهتمام خواهد نمود که وحدتی بیش از پیش بین تمام طبقات آموزگاران ایجاد نموده و آنها را با اشتراک مساعی و ادار و بهم متحد و مرتبط سازد .